



ولادیمیر پوتین با اشاره به منازعه اخیر میان آمریکا و کره شمالی:

«اون» بر ترامپ پیروز شد

صفحه ۱۵

یکشنبه ۲۴ دی ۱۳۹۶ ■ ۲۶ ربیع الثانی ۱۴۳۹ ■ ۱۴ ژانویه ۲۰۱۸ ■ سال دهم ■ شماره ۲۳۵۳ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

وطن امروز

اتحادیه آفریقا خواستار عذرخواهی ترامپ به خاطر توهین نژادپرستانه شد

ارزش‌های آمریکایی در #توالت گیت

صفحه ۱۵



VATAN-E-EMROOZ ■ Vol.10 ■ No.2353 ■ Sun.Jan.14,2018 ■ ISSN:2008-2886

۱۱۷۹ سال و ۴۸ روز گذشت

تیتربهای امروز

جعبه سیاه و ۲ پیکر جدید پیدا شد
ورود به نفتکش روز
بعد از حادثه

- گلایه هسبر مهندس نفتکش ایرانی: دیپلماسی ما کجاست؟ ثانیه ثانیه امدادرسانی مهم است
- سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس: دولت تصور می‌کرد آتش نفتکش زود خاموش می‌شود متأسفانه تعلل صورت گرفته است



صفحه ۳

نگاهی به چینش سریال‌های شبانگاهی سیما

کج سلیقگی در کنداکتور؛ افسردگی آخر شب!

صفحه ۱۲

طبق مصوبه کمیسیون تلفیق مجلس

حقوق مقامات در سال ۹۷ افزایش نمی‌یابد

صفحه ۳

نگاه

موز، تلگرام و باقی ماجرا...

- صادق فرامرزی

«روزی جهانگردی سوار بر قطار در حال خوردن موسیقی بود که با زن و مردی برخورد کرد، از نحوه رفتارشان فهمید تا به حال موز را از نزدیک ندیده‌اند. بر کوله خود دست برد و ۲ موز به آنها هدیه داد. مرد که نخستین‌بار با چنین میوه‌ای مواجه می‌شد موز خود را پوست کند و به محض آنکه شروع به خوردنش کرد، قطار وارد تونلی شد و تاریکی همه‌جا را فرا گرفت، مرد بر سر زنجش فریاد زد و گفت: آن موز را نخور، من خوردم کور شدم!»

اصحاب منطق این حکایت پرماجرا را با همه تلخی و شیرینی‌هایش در توضیح و مثال مغلطه «علت شمردن امر متقارن» به کار می‌برند، مغلطه‌ای که به جای علت، به دنبال امری هم‌زمان می‌گردد و خوردن موز را به‌جای ورود به تونل علت خاموشی می‌یابد! علت شمردن امر متقارن هر چند در مغلطه فوق از شدت ساده بودن کمی خنده‌دار نیز به نظر آمد اما گاه در کمال جدیت ظهور و بروز می‌یابد و بی‌بردن به آن، آنچنان هم ساده نمی‌نماید.

سخنرانی اخیر رئیس‌جمهور را شاید بتوان جدی‌ترین سخنرانی عالی‌ترین مقام اجرایی کشور پس از الزتهابات، اعتراضات و اغتشاشات هفته‌های اخیر دانست. سخنانی که خیلی‌ها کنجکاو شنیدندش بودند تا امید «گشایش» نسبت به اوضاع نامطلوب اقتصادی را از آن برداشت کنند اما باز هم حدسی که با اندکی بدبینی همراه بود، جامه واقعیت به تن کرد و آنچه بر زبان آمد سخن از «هری متقارن» به‌جای «علت» نازبایتی‌های موجود بود. آنچه روحانی باز هم بر آن مانور داد، نه مساله اصلی اعتراضات که مساله حاشیه‌ساز جاری کشور یعنی «تلگرام» و سرنوشت نامعلوم آن بود؛ مساله‌ای که طبیعتاً در جای خود امری مهم است اما در نهایت «هری متقارن» با اعتراضات اخیر تلقی می‌شود نه «علت» آن. روحانی گفته بود: «هردم حاضر نیستند وضع مالی و اقتصادی آنها بهبود یابد اما فضای مجازی مسدود شود!» هر چند سخنان اخیر رئیس‌جمهور پیرامون این امر متقارن فارغ از هرگونه موافقت یا مخالفت با محتوای آن محل نقد جدی از آن رو است که مساله و علت اصلی را به پدیده‌ای فرعی تقلیل داده‌اند...

ادامه در صفحه ۵

در واکنش به ضرب‌الاجل ترامپ تحریم‌های بی‌سابقه جدید و همراهی اروپا با آمریکا، تنها گزینه دولت ایران اتخاذ یک اقدام عملی مؤثر است



محمد علی‌نژاد

گوشه رینگ نمان!

با ماهیت سرمایه‌گذاری خارجی وجود دارد که سیاست‌گذاران اقتصادی کشور باید پیش‌تر به طرح مکانیزمی برای کنترل این پیامدهای طبیعی نامطلوب اقدام کنند اما ظاهراً تلاش عمده آنان معطوف به متهم‌سازی نهادهای انقلابی و سروپوش گناشتن روی خلاهای مذاکرات هسته‌ای متمرکز است و مسؤولیت پرداختن به این واقعیات علمی بر دوش دل‌پاسان سنگینی می‌گویند. مخالفان سرمایه‌گذاری خارجی با وجود تأمین سرمایه در بلندمدت با ایجاد حالت انحصاری و ممانعت از رقابت عملاً موجب کاهش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در کشور در حال توسعه می‌شود، زیرا بخش اعظم سود حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی به جای سرمایه‌گذاری مجدد از کشور خارج می‌شود. به‌علاوه، درآمد این سرمایه‌گذاری‌ها عاید گروه‌هایی می‌شود که میل به پس‌انداز کمتری دارند و سرمایه‌گذاری‌های خارجی به جای افزایش سرمایه‌گذاری موجب نقصان آن و بسا افزایش تقاضا موجب افزایش قیمت‌ها می‌شود. در رابطه با بهبود وضع ارزی نظر مخالفان آن است که این وضعیت موقت است و در درازمدت حالت معکوس به خود می‌گیرد.

دلیل دیگر مخالفان با سرمایه‌گذاری خارجی، دوقطبی شدن اقتصاد است. به این معنی که این سرمایه‌گذاری‌ها باعث می‌شود تعداد محدودی از شاغلان در بخش‌های مدرن اقتصاد مشغول شوند و در دریافتی نسبتاً خوب نیز برخوردار شوند. در نتیجه اختلاف میان دریافتی آنان با سایر شاغلان شدت می‌یابد. بر اثر سرمایه‌گذاری خارجی منابع محدود و احتیاجات اساسی به سمت تولید محصولات لوکس و مدرن که تنها نیاز گروه خاصی را برطرف می‌کند، منحرف می‌شود، بویژه آنکه گرایش این سرمایه‌گذاری‌ها به سمت مناطق شهری است و از این لحاظ، فاصله شهری و روستایی را افزایش می‌دهد.

بالاخره، سرمایه‌گذاری خارجی الگوی مصرف را تغییر می‌دهد و جامعه را به سوی مصارفی سوق می‌دهد که ریشه در تولید درونی ندارند. ضمن آنکه تکنولوژی به‌کار رفته نیز از نوع تکنولوژی سرمایه‌طلب است و برای اشتغال در کشورهای در حال توسعه که مشکل اصلی این کشورهاست، اهمیتی قائل نمی‌شود.

عدم پرداختن به واقعیات علمی و اقتصادی این مهم، از علل امتناع آن در ایران تا پاس‌خگویی و برساختن مکانیزم‌های ساختاری برای هضم آثار سوء آن، سیاستمداران دولت اعتدال را از هر سو به مساله‌سازی‌های کاذب و طرح آمارهای متناقض برای سروپوش گذاشتن بر نقاط ضعفشان و پاک کردن صورت مساله از اساس سوق داده است.

ادامه در صفحه ۵

رؤیای سرمایه

- عارف ابو*

یکی دیگر از موانع عمده سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، نبود فضای عمومی و قوام‌یافته سرمایه‌گذاری صنعتی در کشور است. این مهم حتی در گزارش‌های پیشین مرکز پژوهش‌های مجلس نیز به مثابه مهم‌ترین مانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی، به تفاریق تکرار شده است. پژوهشگران این مرکز تأکید کرده‌اند قانون جذب سرمایه باید راه را بر سرمایه دل‌ای بسته و مقوم سرمایه صنعتی باشد. در این زمینه نیز مشخصاً باید از نهادهای دولتی مربوط پرسید در جهت حفظ توازن میان صنعت و بازرگانی چه کرده‌اند. شایان ذکر است موج دوم سیاست‌های تعدیلی در دولت دوم اصلاحات در آزادسازی بی‌محابای تعرفه‌ها، در بازه ۱۰ ساله، دل‌ای و مشاغل بازرگانی را افزایش داده و مهاجرت عنان‌گسیخته به شهرهای بزرگ و ورکشکنگی و افسول بسیاری از صنایع و همچنین نوسانات غیرطبیعی برای بازار مسکن را به ارمغان آورد که بقایای آن تاکنون بر دامن اقتصاد کشور موجود است.

باید فضای ارزشی و اقتصادی لازم نشو و نمای سرمایه صنعتی در کشور فراهم آید ولی تجربه دولت اعتدال بویژه با توجه به سیاست‌های عمده کنترل تورمی در دولت یازدهم در این زمینه خلاف این امر را ثابت می‌کند. عامل مهم دیگر، وجود دیوان‌سالاری گسترده و داخلی و خارجی را با مشکل مواجه می‌کند. نظام دیوان‌سالاری ما بشدت پیچیده، فسادناز، غیرشفاف و ناکارآمد است. کارشناسان بر این باورند تعداد بیش از حد مداخل ورودی و مبادی خروجی کشور و تعداد بالای گمرک‌ها در ایران نسبت به سایر نقاط جهان، باعث عدم نظارت می‌شود و اصل رقابت‌پذیری ایران در جذب سرمایه‌گذار قانونمند خارجی را به خطر می‌اندازد. ضعف قوه نظارتی، واردات انبوه، قاچاق رسمی، مشکلات مربوط به صدور مجوزها و پروانه‌های صنعتی، ریسک نوسانات نرخ ارز و چالش‌های مربوط به قانون کار که به نوعی ویرترین ورودی سرمایه‌گذاران خارجی است، همه بخش‌هایی از سیاهه بلندی‌بالای مسائل بروکراتیک و اداری ایران است.

مجموعه عوامل فوق‌الذکر که اشاره‌ای گذرا بدان شد، موانع واقعی و علمی مانع سرمایه‌گذاری خارجی است که در عین اجمال، این واقعیت را به عین منعکس می‌کند که سد مستبتر ورود سرمایه‌گذاری خارجی در درجه اول خود دولت و ناکارآمدی‌های مدیریت دولتی است.

در کنار همه این مسائل برخی مخالفت‌ها

دیدگاه

از پایان جنگ خانمان‌سوز دوم جهانی، مساله توسعه‌یافتگی و از بین بردن شکاف اقتصادی فی‌مابین کشورهای مرکزی و پیرامونی، برای توده عظیم کشورهای آزادشده از چنگال استعمار، برجستگی فراوانی یافت. کشورهای پیرامونی موسوم به جهان سوم در هوس دست‌یابی به قله‌های رشد و توسعه، به تکاپویی آمیخته به رقابت پرداختند اما مساله اصلی از همان بدو راه، فقدان امکان تفکر در بنیان‌های نظری و تعمق در چیستی و چرایی مفهوم «توسعه» بود. در شرایطی که رقابت، یگانه منطق بازی در میدان توسعه بود، این کشورها ناگزیر، به نسخه‌ها و تجربه‌های پیش‌تر پیچیده شده توسط کشورهای پیش‌تر استعمارگر تن درمی‌دادند و بی‌محابا، ساختار اقتصادی و مولفه‌های اقتدار درونی خود را به محک تئوری‌ها و الگوهای نئوکلاسیک توسعه می‌زدند.

شرح تجربیات تلخ این نوع مواجهه و پیامدهای درازآهنگ آن، فصلی مجزا می‌طلبد. به طور خاص می‌توان از تجربیات تلخ نیل به توسعه در کشورهای آمریکای جنوبی از قبیل آرژانتین، شیلی، ونزوئلا... و گسست‌های ناگوار برای پاره‌های قدرت‌های نوظهور در آسیا، موسوم به برهه‌های جنوب شرقی آسیا و حتی اتفاقاتی در فرآیند تجربه موفق کشوری مثل کره‌جنوبی در دهه ۸۰ نام برد. این الگوها منبعث از ساختار تاریخی کشورهای توسعه‌یافته، در فقدان عطف توجه به تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، اقتصادی و سیاسی کشورهای هدف، داعیه جهان‌شمولی و نتیجه‌بخشی تحت هر شرایطی را داشتند اما در فرآیندی بلندمدت به تعبیر امونتل والرشتاین، جامعه‌شناس منتقد سرمایه‌داری، چرخه نامطلوبی از ثروت را رقم زدند که در سیکلی نامتوازن، ثروت و منابع را به طرف کشورهای مرکزی سوق داده و از طرف دیگر فقر و تبعیض و ناکارایی را به کشورهای پیرامونی انتقال می‌دهد.

از آنجا که موتور محرک هر اقتصاد نوپا، بخش خالص سرمایه‌گذاری است و از طرفی بسیاری از کشورهای در حال توسعه به دلیل فقدان زیرساخت‌های اقتصادی و منابع بولی، باضعف در این حوزه مواجه هستند، مساله سرمایه‌گذاری خارجی چنان ترجیح‌بندی در بنیاند سیاست‌گذاری‌های کلان کشورهای در حال توسعه تکرار شده است. حال سوال این است: این مقوله تا چه اندازه‌ای در تحول بنیادین و پایدار این کشورها مؤثر است؟ آیا بدون توجه به زیرساخت‌های درونی، تأکید مکرر بر سرمایه‌گذاری خارجی، راه به جایی می‌برد؟! سخن بر سر نفی تام و تمام این مقوله نیست؛ چه‌بسا در تجربه کشوری مثل چین، پس از سیاست درهای باز در دهه ۸۰ بدین‌سو، سرمایه‌گذاری خارجی نقش مؤثر ایفا کرده است اما صحبت بر سر این است که تأکید صرف بر سرمایه‌گذاری خارجی که آمیخته

ادامه در صفحه ۵